

حسادت و پیامدهای مخرب

حسادت یکی از مخربترین احساسات در زندگی بشر است. بعضی از این احساس با عنوان گناه یاد می‌کنند، گناهی که می‌گویند ...



حسادت یکی از مخربترین احساسات در زندگی بشر است. بعضی از این احساس با عنوان گناه یاد می‌کنند، گناهی که می‌گویند خداوند حتی برای آن مجازاتی مقرر نساخته چرا که وجود این احساس در انسان، خود از هر مجازاتی دردناک‌تر است. حال ببینیم چگونه محیط خانواده و به دنبال آن جامعه باعث به وجود آمدن حسادت و رشد آن می‌شود. حسادت یعنی خوشحال نشدن از موفقیت دیگران و در مراحل پیشرفته‌تر، به شغف آمدن از شکست دیگران. یکی از مهم‌ترین علل رشد این پدیده در جوامع انسانی، مقایسه شدن افراد با یکدیگر است.

مقایسه‌هایی که معمولاً به بهتر و بدتر قلمداد شدن و به دنبال آن، تحسین یکی و تحقیر دیگری می‌انجامد. هر فردی برای رشد و شکوفایی استعدادهای خویش به اعتماد به نفس نیازمند است؛ اعتماد به نفسی که با تشویق بجا و به موقع به ویژه در دوره کودکی و نوجوانی در فرد شکل می‌گیرد. برعکس، سرزنش و تحقیر اگر به دنبال مقایسه فرد با دیگران صورت گیرد، باعث به وجود آمدن احساس حسادت می‌شود. کمتر کسی در میان ما یافت می‌شود که مکرراً با دیگران مقایسه نشده و برای نقطه ضعف‌هایش تحقیر و سرزنش نشده باشد.

این مقایسه‌ها معمولاً از کودکی و در خانه، در بین خواهران و برادران و همچنین بچه‌های همسن و سال و در مدرسه در بین شاگردان شروع می‌شود و در بزرگسالی نیز به گونه‌ای نامرئی اما مستمر ادامه می‌یابد.

پیامدهای مخرب مقایسه

۱) حسادت: طبیعتاً وقتی موفقیت کسی، به چماقی تبدیل شود برای تحقیر افرادی که هم ردیف و قابل مقایسه با او هستند - همکلاسان و همکاران، بچه‌های فامیل و حتی گاه خواهران و برادران - آنان از این موفقیت خوشحال نخواهند شد.

۲) کارشکنی: مقایسه همچنین باعث می‌شود افراد از فراهم آوردن امکاناتی که بتواند دیگران را به موفقیتی برساند دریغ کنند و حتی از راه‌های گوناگون مانع پیشرفت آنها شوند (چوب لای چرخ گذاشتن و سنگ اندازی).

۳) عیب‌جویی از دیگران: عیب‌جویی باعث می‌شود که در مقایسه احتمالی با او پیروز شویم. برای مثال، وقتی مرتب همسر و فرزندان دیگران را به رخ همسر و فرزندان خود کشیدیم، آنان را وادار می‌کنیم تا با عیب‌جویی حتی نادرست، شخصیت آنها را در نظر ما مخدوش کنند و بدین‌وسیله در مقایسه‌های احتمالی بعدی سربلند بیرون آیند. کوچک و ناچیز انگاشتن موفقیت‌های دیگران و گرفتن ایرادهای جزئی از کار دیگران، تمایل به لطمه زدن به حیثیت سیاسی و اجتماعی و علمی دیگران با اظهارنظرها و نقدهای غرض‌ورزانه و ترور شخصیت نیز که در سطوح بالاتری از جامعه صورت می‌گیرد می‌تواند ریشه در همین پدیده داشته باشد.

۴) احساس رضایت از کوچک شدن دیگران: کم شاهد نبوده‌ایم که ایراد گرفتن از یک شخص و کوچک شدن او باعث رضایت فرد یا افرادی شده است که احتمال داشته با او مقایسه شوند. این احساس رضایت را معمولاً وقتی یکی از فرزندان مورد انتقاد یا شماتت والدین قرار می‌گیرد در چهره بقیه خواهران و برادران می‌توان دید و به همان نحو هنگامی که رئیس به کارمندی انتقاد یا اعتراض می‌کند در چهره سایر کارمندان. حتی بسیاری از ادبا و نویسندگان ما نیز که داعیه رهبری فرهنگی مردم را دارند در همین دایره بسته مقایسه و رقابت و حسادت اسیرند.

۵) کتمان، تظاهر، دروغ و تقلید: ترس از مقایسه شدن با دیگران و تحقیر شدن باعث می‌شود افراد علاوه بر تلاش برای بالا رفتن از پله‌های هرم اجتماعی، به کتمان نداشته‌های مادی و علمی خود بپردازند یا به داشتن آنها تظاهر کنند. اصطلاحاتی چون قمپز در کردن،

خالی‌بندی، پز عالی، جیب خالی در همین مورد مصداق می‌یابد. این ترس همچنین باعث می‌شود که مردم صورت خود را با سیلی سرخ نگه دارند و به تقلید از شیوه زندگی کسانی بپردازند که در سطوح بالاتر و مورد تقدیر و توجه جامعه هستند. به علاوه، در جوامعی که افتخار و ننگ یک فرد، افراد خانواده و فامیل را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد، دروغ گفتن در مورد نقاط ضعف و کمبودهای خانواده و بستگان رواج می‌یابد.

۶) کنجکاوی، مچ‌گیری و قضاوت: کنجکاوی چیزی نیست جز میل شدید به دانستن چیزها. پیشرفت بشر در بسیاری از زمینه‌ها تا اندازه زیادی مرهون حس کنجکاوی اوست. اما نوعی از کنجکاوی که در اینجا مد نظر است و یکی دیگر از خصایص مخرب و آزاردهنده ماست، علاقه به داشتن اطلاعات در مورد کسانی است که با ما منافع مشترکی دارند و احتمال دارد که با ما مقایسه شوند، مانند همکلاسی، همکار، همسایه و فامیل. این اطلاعات معمولاً شامل مواردی است از قبیل میزان درآمد آنها، چیزهای تازه‌ای که خریده‌اند، محلی که تعطیلات خود را در آنجا گذرانده‌اند، یا مدارک و مدارجی که کسب کرده‌اند. این کنجکاوی به شکل مطرح کردن سؤالات متعدد مستقیم یا غیرمستقیم از خود افراد یا اشخاص دیگر بروز می‌یابد. از طرفی، مخفی کردن نقاط ضعف و دروغ‌پردازی در مورد نقاط قوت، خود منجر به مشکوک شدن افراد نسبت به یکدیگر و تحریک بیشتر کنجکاوی آنان و ایجاد حالت مچ‌گیری در افراد نسبت به یکدیگر می‌شود. چنین است که گاه فقط با دیدن یک مورد یا شنیدن یک جمله در مورد یک شخص که مغایر تصویری است که او از خود در ما ایجاد کرده است، درباره او قضاوت و حکم صادر می‌کنیم.

۷) توهم و تفسیر اعمال دیگران: نتیجه این وضعیت تفسیر رفتارها و گفتارهای دیگران بر مبنای فاصله‌ای است

که نسبت به ما در هرم اجتماعی دارند. بدین معنی که اگر یکی از همکاران، کار ما را مورد تمسخر قرار دهد، اهمیتی نمی‌دهیم و حتی با او هم‌کلام نیز می‌شویم. اما همین عمل را از جانب شخصی که در رده پایین‌تری از ما قرار دارد حسادت و از جانب شخصی که در رده بالاتری از ما قرار دارد توهین تلقی می‌کنیم چرا که تصور می‌کنیم او با این عمل قصد به رخ کشیدن موقعیت خود و در نتیجه تحقیر ما را داشته است.

۸) مقایسه دائمی خود با دیگران و احساس برتری و کهنتری: مقایسه شدن‌های متوالی باعث می‌شود که اگر کسی هم ما را با دیگری مقایسه نکند، خودمان این کار را انجام دهیم. بدین معنی که دیگران را از نظر شغل، درآمد، میزان تحصیلات، همسر و فرزندان و... با خود مقایسه می‌کنیم و اگر در این مقایسه برنده نشدیم در مقابل آنان احساس کهنتری و اگر موفق شدیم احساس اعتمادبه‌نفس و غرور می‌کنیم.

۹) نیاز به تعریف و تمجید شنیدن و مطرح شدن: بدون شک، تحقیر شدن‌های متوالی، زخم‌هایی در روح به وجود می‌آورد که مرهم‌شان شنیدن تعریف و تمجید و جلب توجه کردن و مطرح شدن است. در حقیقت، نیاز به شنیدن تعریف و تمجید سکه‌ای است که روی دیگر آن تاب نیاوردن انتقاد است. به بیان دیگر، هرچه افراد جامعه‌ای تحمل بیشتری برای پذیرش انتقاد داشته باشند، به همان میزان کمتر از تعریف و تمجیدهای افراطی و ستایش‌های اغراق‌آمیز و دروغین خوشحال می‌شوند و بالعکس افرادی که تحمل کمتری برای شنیدن انتقاد دارند، لذت بیشتری از شنیدن تعریف و تمجید می‌برند.

۱۰) تلاش برای رسیدن به موقعیت‌های افتخارآمیز و احترام‌برانگیز: نیاز به مطرح شدن باعث می‌شود که به دنبال کسب چیزهایی برویم که در جامعه ملاک ارزش و احترام است. با توجه به اینکه ثروت و مدرک و به دنبال آن موقعیت اجتماعی معیار ارزش در جوامع غیردموکراتیک است، اکثریتی به دنبال آن می‌روند. فراهم نبودن شرایط و امکانات برای همگان باعث می‌شود که عده‌ای از راه‌های نادرست و با فدا کردن ارزش‌های انسانی به کسب این ارزش‌های قراردادی بپردازند. ناکامی در این راه باعث به وجود آمدن احساسات منفی همچون کینه، نفرت، سرخوردگی، یأس و پوچی در افراد جامعه می‌شود. بنابراین بذر اعتمادبه‌نفس و عشق را با تشویق خصوصیات یا قابلیت‌های مثبت فرزندانمان در منزل و شاگردانمان در مدرسه بکاریم و از مقایسه کردن آنها با دیگران و از مقایسه کردن هر انسان با انسان دیگر اجتناب کنیم و با این عمل موجبات رشد و شکوفایی بیشتر افراد جامعه را در هر سن و شرایطی فراهم آوریم.